

بنام خداوند جان و خرد

فرهنگ و تمدن:

نگاهی نو به مسئله‌ای کهن

صلاح‌الدین خلیل‌اف

ترجمه

زیبا هاشمی حاجی‌بهزاد

انتشارات شفیع

۱۴۰۰

سرشناسه	: خلیلوف، صلاح‌الدین، ۱۹۵۲ - م Solaheddin Xolilov
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ و تمدن : نگاهی نو به مسئله‌ای کهن / صلاح‌الدین خلیل اف؛ ترجمه زیبا هاشمی حاجی بهزاد.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شفیعی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹-۹-۹۸۲۳۶-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Medeniyet ve Kültür Yeni Bir Yaklaşım
موضوع	: فرهنگ Culture تمدن Civilization جهانی شدن Globalization اسلام و مسیحیت Relations -- Christianity -- Islam
شناسه افزوده	: هاشمی حاجی بهزاد، زیبا، ۱۳۶۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۶۲۱HM
رده بندی دیویی	: ۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۰۱۱۸۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

فرهنگ و تمدن:

نگاهی نو به مسئله‌ای کهن

صلاح‌الدین خلیل اف

ترجمه: زیبا هاشمی حاجی بهزاد

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: نقشینه

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۹-۹-۹۸۲۳۶-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

تقدیم	۵
درباره نویسنده	۹
مقدمه چاپ ترکی	۱۱
مقدمه	۲۵
فصل اول: فرهنگ و ماهیت آن	۳۷
فصل دوم: تمدن و فرهنگ	۶۱
فصل سوم: جهانی شدن یا تمدن جهانی	۹۱
فصل چهارم: اسلام و مسیحیت در رابطه با تمدن شرقی و غربی	۱۰۹
فصل پنجم: شکل های اندیشه شرقی و غربی	۱۲۵
فصل ششم: تمدن و معنویت	۱۳۹
فصل هفتم: سازمان دهی اجتماعی در شرق و غرب	۱۵۹
فصل هشتم: تمدن و جامعه	۱۷۵
فصل نهم: نقش تمدن های ناتمام در توسعه جهانی	۱۹۱
نتیجه گیری	۲۱۱

مقدمه چاپ ترکی

در سده گذشته تمدن و فرهنگ موضوع بحث جدی در ترکیه بوده است. نخستین نامی که در این زمینه فرا یاد می‌آید، بی‌شک ضیاء گوک‌آلپ است. پس از آن، بحث با گوک‌آلپ هدایت پیش رفت و سپس تر بار دیگر با متفکرانی چون جمیل مریچ و ارول گونگور وارد مرحله‌ای جدی‌تر شد. به نظر می‌رسد منظور گوک‌آلپ از ارائه پرسش‌هایی چون «تمدن چیست؟»، «چه نوع رابطه‌ای میان تمدن و فرهنگ وجود دارد؟» و «ویژگی‌های اصلی تمدن غربی که ما در پذیرش آن وامانده‌ایم، چه چیزهایی هستند؟» — که هنوز تازگی خود را دارند و محل تأمل‌اند — یا به این سبب بوده که آن‌ها نتوانسته‌اند پاسخ خود را بیابند، یا لازم است که در هر دوره پاسخی به‌روزر داده شود. مفهوم «civilisation»، که در زبان ترکی به عنوان معادل کلمه «تمدن» در زبان‌های غربی کاربرد دارد، در دوره اسماعیل گاسپیرالی (۱۸۵۱-۱۹۱۴) و احمد آقاوغللو (۱۸۶۹-۱۹۳۹) معنایی کاملاً متضاد را بیان می‌کرد. به نظر می‌رسد کلمه تمدن، هم مفهوم «فرهنگ» و هم «مدنیت» را در بر می‌گیرد.

در این زمینه، تصادفی نیست که کلمه «مدنیت»، که در ترکی آذربایجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، امروزه به جای آنکه همانند ترکی استانبولی به معنای «تمدن» به کار رود، بیشتر معادل «فرهنگ» (kültür) می‌باشد. یکی از دلایل این امر استفاده آقاوغللو از مفهوم «تمدن» به لحاظ وضعیت جامعه و سبک زندگی است. از دیگر سو، «مدنیت» در

ترکی آذربایجانی با استفاده از این مفهوم و موضوعات بحث‌برانگیز، در این باره که آیا دین و اخلاق در محدوده تمدن قرار دارند یا فرهنگ، تقریباً از بین می‌رود. با این حال، در این مورد نیز مشکل همچنان مبهم باقی مانده است. اگرچه مفاهیم مورد استفاده در لسان ضیاء گوک‌آلپ متفاوت است، اما تفاوت ماهیت بین این دو پدیده روشن نشده است. مفهوم «تمدن» در لسان توینی مشابه آقاوغلوس و دارای معنی تلفیقی (syncretic)، و مبتنی بر ایده تمدن‌های مختلف است.

در اثر «سه تمدن» که احمد آقاوغلوس سال‌ها پیش از توینی نوشته، بودیسم تمدنی تلقی شده است که با مسیحیت و اسلام مطابقت دارد. با این حال، اگرچه او طبقه‌بندی را بر اساس ادیان انجام می‌دهد، منبع اصلی تمدن و نیروی محرک آن را با دین ربط نمی‌دهد و به درستی باعث می‌شود که تحلیل سازمان اجتماعی نقطه آغاز تحلیل او باشد. این بررسی ثابت می‌کند که چگونه ارزش‌ها در همه نهادهای اجتماعی و سیاسی - اجتماعی، از خانواده به حکومت، به صورت آشکار توزیع می‌شوند. رویکرد توینی بسیار شبیه به رویکرد آقاوغلوس است. به طور کلی، ایده‌های توینی تکرار مفهومی ایده‌های «سه تمدن» آقاوغلوس است؛ تفاوت فقط در این است که بیست و یک تمدن به جای سه تمدن ذکر شده است. افزون‌براین، به نظر می‌رسد که خط عقیدتی - سیاسی خاصی به حوزه تاریخی منتقل شده است. به نظر ما، ماهیت، ساختار و محتوای مفهوم تمدن باید پیش از فهرست کردن تمدن‌ها روشن شود. اگر دقت کنیم، مشاهده می‌شود که مفهوم تمدن در ادبیات علمی - فلسفی به دو معنی متفاوت به کار رفته است. به نظر محققانی که پیش‌تر با تمدن‌ها به عنوان تمدن‌های محلی برخورد می‌کردند، منبع تنوع فقط مؤلفه روشن‌فکرانه است. نه تنها در سطح توسعه، بلکه در سطوح مختلف دانش و مهارت، برخلاف زبان‌ها، ادیان، سنت‌ها و معنویات آن‌ها به دنبال تفاوت بین

فرهنگ‌ها بودند. درحقیقت از آنجاکه رشد فکری برای همه مردم و مناطق یکسان است، جست‌وجوی تفاوت در زبان، دین و فرهنگ معنوی منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا همه با قوانین منطقی مشترک فکر می‌کنند. از این‌رو، بیشتر محققان این ویژگی‌ها را برجسته می‌کنند. احتمالاً به همین سبب توینبی (Toynbee) گفته است: «دین چیزی است که تمدن‌ها را زنده نگه می‌دارد و دورشدن تمدن‌ها از دین موجب فروپاشی آن‌ها می‌شود ...». اس. هانتینگتون نیز بر عامل دین تأکید می‌کند، اما زبان را نیز به منبع اصلی و قدرت غالب تمدن می‌افزاید. به گفته وی: «عنصر اصلی هر فرهنگ یا تمدن زبان و دین است». زبان و دین درواقع در توسعه فرهنگ‌های ملی بسیار مهم‌اند. اما هانتینگتون مطمئن نیست که آیا این عوامل در فرهنگ یا تمدن کلیدی هستند یا نه. از آنجاکه پایه محتوای مفاهیم یادشده لغزنده و ناپایدار است، هانتینگتون موضوع مورد بحث را رها می‌کند. هدف وی جلب توجه و برانگیختن افکار به چگونگی روابط تمدن غرب با تمدن‌های دیگر است. ایده برخورد تمدن‌ها که به توینبی و هانتینگتون نسبت داده‌اند، ابتدا توسط آقاوگلو در «سه تمدن» مطرح شده بود. وی خاطرنشان کرده که دو جریان مخالف، به‌ویژه در جوامع آسیایی، صحنه مبارزه مرگ و زندگی بین تمدن سنتی و تمدن معاصر است. با این حال، آنچه در اینجا می‌خواهیم تأکید کنیم، این واقعیت است که درگیری در دید آقاوگلو نه بین غرب و شرق، بلکه در درون خود این جوامع رخ می‌دهد. به طور دقیق‌تر، این نزاع بین کسانی که می‌خواهند غربی شوند و کسانی که مخالف آن‌ها هستند، درمی‌گیرد. اختلاف بین اسلام‌گرایان و غرب‌گرایان ترکیه معاصر دقیقاً بر همین منازعه استوار است. افزون‌براین، قطب‌بندی در درون کشور تنها در کشورهای آسیایی مشاهده نمی‌شود. امروزه درگیری شرق و غرب که روزگاری در کشورهای غربی آغاز شده بود، مشخصه روح و جو آن

دوره، و یکی از اصلی‌ترین وقایع تعیین‌کننده جهت توسعه آینده بوده است. درحقیقت، درگیری‌های درون‌تمدنی بیشتر زمینه را برای فروپاشی تمدن هلنی آماده کرد. به سخن دیگر، پس از استقرار مسیحیت که ذاتاً پدیده‌ای شرقی است، تناقضات بین ارزش‌های تمدن باستان و اعتقادات جدید مذهبی و سبک زندگی یکی از دلایل اصلی آن سقوط بود. به همین ترتیب، پس از نزدیک به هزار سال، درگیری‌ای که مانع توسعه تمدن بود، به نوعی حل و فصل شد؛ بنابراین، پس از آزادشدن علم از بند مسیحیت و دولت از سلطه کلیسا، تمدن جدیدی به نام تمدن غرب زنده شد که امروزه نیز یکی از اصلی‌ترین مسائل کشمکش‌های داخلی کشورهای شرقی است. تمایز شرق و غرب را باید از نظر حوزه‌های فرهنگ و در درون خود آن‌ها ارزیابی کرد، نه از نظر منطقه‌ای؛ بنابراین، «متعارضان»ی که هائینگتون از آن‌ها صحبت می‌کند، چه کسانی هستند و مقیاس و قالب این تعارضات چگونه است؟ درواقع، تحولات در داخل کشور به همان گونه‌ای است که تعارض بین کشورها و مناطق رخ می‌دهد. در دسته‌بندی مورد بحث، کشورهای شرقی که راهی را برای اتخاذ ارزش‌های تمدن به طور مستقل در پیش گرفته‌اند، در طرف مقابل قرار دارند و اصطلاحاً طرف مقابل غرب هستند؛ بنابراین، این کشورها به عنوان حاملان تمدن غرب دیده نمی‌شوند. حال آیا غرب طرفدار این نیست که این کشورها مسیر تمدن را طی کنند؟

اینجاست که نگرش واقعی غرب پدیدار می‌شود. طبق این نگرش، کشورهای غیرغربی باید محصولات تمدن را از غرب به راحتی خریداری کنند (البته با هزینه منابع طبیعی و معنوی)، اما خود تمدن را غربی‌ها ساخته‌اند و این کشورها نباید ادعا کنند که مالک تمدن‌اند؛ بنابراین، می‌توان یک موشک، ماهواره، هواپیمای جنگی یا حتی راکتور هسته‌ای را به صورت آماده از کشورهای غربی خریداری کرد. بااین‌حال، تلاش برای

تولید آن‌ها، توسط غرب مناسب ارزیابی نمی‌شود. با توجه به رویکرد علمی قابل قبول، تمدن بیانگر توسعه اجتماعی خارج از هویت ملی و مذهبی است. در اینجا کیفیت فکری انسان خود را نشان می‌دهد. به گفته الوین تافلر، نیروی محرکه توسعه اجتماعی نقش معیار اساسی توسعه تمدن را بازی می‌کند. برای نمونه، در لسان او انقلاب صنعتی موج دوم تمدن در نظر گرفته می‌شود، در حالی که نخستین موج با ظهور کشاورزی همراه بود. او سعی می‌کند ماهیت موج سوم مشخصه دوره معاصر را روشن کند؛ بنابراین، توسعه تمدن را به صورت محوری عمود بر محور افقی ترسیم می‌کند. این رویکرد از نظر روش‌شناسی با آموزه مارکسیسم سازگار است، اما تافلر از منظر نظری و روش‌شناختی به این موضوع نمی‌پردازد. اصطلاحاً فقط روش مارکسیستی به عنوان جهان‌بینی جایگزین باقی مانده است. مهم نیست چقدر فرهنگ مردم با یکدیگر متفاوت باشد، بلکه عوامل ملی و مذهبی مهم هستند. تمدن ترجیحاً فرایندی است که مشخصه همه بشویت است. این بدان معناست که تمدن شامل فعالیت کارگری قبل از زندگی معنوی - اخلاقی مردم و جنبه فکری در حوزه معنوی - روحی است. هر چند نمودهای بیرونی تمدن در افراد و فرهنگ‌های مختلف شباهت کمتری به یکدیگر داشتند، اما ویژگی‌های کلی شامل تمامی افراد است؛ بنابراین، خط اصلی فرایندهای توسعه اجتماعی در مناطق مختلف، نیروی محرکه اصلی و حتی ایستگاه‌های اصلی مسیر طی شده در همه‌جا یکسان بوده است. تناقضی که با مفهوم تمدن روبه‌رو هستیم، به این شرح است: بحث تمدن به عنوان جایگزینی برای آموزه در مورد توسعه اجتماعی بر اساس سازندها (formation)، اصطلاحاً تنوع را در کانون توجه قرار داد. البته ادعای مارکسیسم، که بر مبنای آن پیشرفت تمامی مناطق یکسان بوده، چیز دیگری است. اما از نظر ما، این تمایز تمدن در واقع به سبب عدم

درک ماهیت تمدن‌های محلی است. هنگامی که تجزیه و تحلیل عمیق انجام می‌شود، به نظر می‌رسد که همین روند در پس این تنوع نهفته است. باین‌حال، این روند آشکار باقی نمی‌ماند و فرهنگ‌های موجود را در هر منطقه و در هر دوره تاریخی پنهان می‌کند. ارزش‌های دینی و ویژگی‌های اخلاقی، فرهنگی - زیبایی‌شناختی و قومی، همه این‌ها، در رنگ و شک

ل لباس مورد نظر خود را نشان می‌دهند. ارول گونگور توجه ویژه‌ای را به این مسئله جلب می‌کند و می‌نویسد: «تمایز فرهنگ و تمدن برای ما - ترک‌ها - فقط مسئله مفاهیم جامعه‌شناختی نیست، بلکه تلاش برای یافتن پشتوانه عینی یا علمی برای درخواست‌های ما در مورد چگونگی هدایت زندگی ملت است». متأسفانه، مسئله مورد بحث غالباً جامعه‌شناختی و مردم‌شناسانه است و در متن بر پایه آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته، اما در سطح فلسفی به اندازه کافی توجهی به آن نشده است. دلیل آن این است که بیشتر محققان هنوز تفاوت بین مفاهیم «فرهنگ» و «تمدن» را در نظر نمی‌گیرند. درحالی‌که نقش زبان و دین برای پیشرفت فرهنگ ملی بسیار مهم است، عوامل دیگری نیز هستند که نقشی اساسی در تمدن دارند. این منطق و دلیل برجسته‌تر است. صرف‌نظر از نژاد و قومیت، انسان‌ها طبق همان قواعد منطقی جهانی فکر می‌کنند. بسته به نحوه ادغام و سازمان‌دهی افراد به عنوان یک جامعه، تحقق توانایی‌های فکری در مناطق مختلف جنبه دیگری از کار است. اما جهت روند در همه‌جا یکسان است. فقط میزان تحقق توانایی ذهنی انسان در مناطق مختلف متفاوت است. بنابراین، تمدن‌های محلی نه از نظر کیفیت، بلکه از نظر درجه، سطح و ویژگی‌های بیرونی متنوع‌اند. باین‌حال، به سبب جهت‌گیری روند جهانی، همه آن‌ها گرد هم می‌آیند تا به عنوان اشکال و تجارب یک رویداد جهانی مشهود در مناطق مختلف وجود داشته باشند.